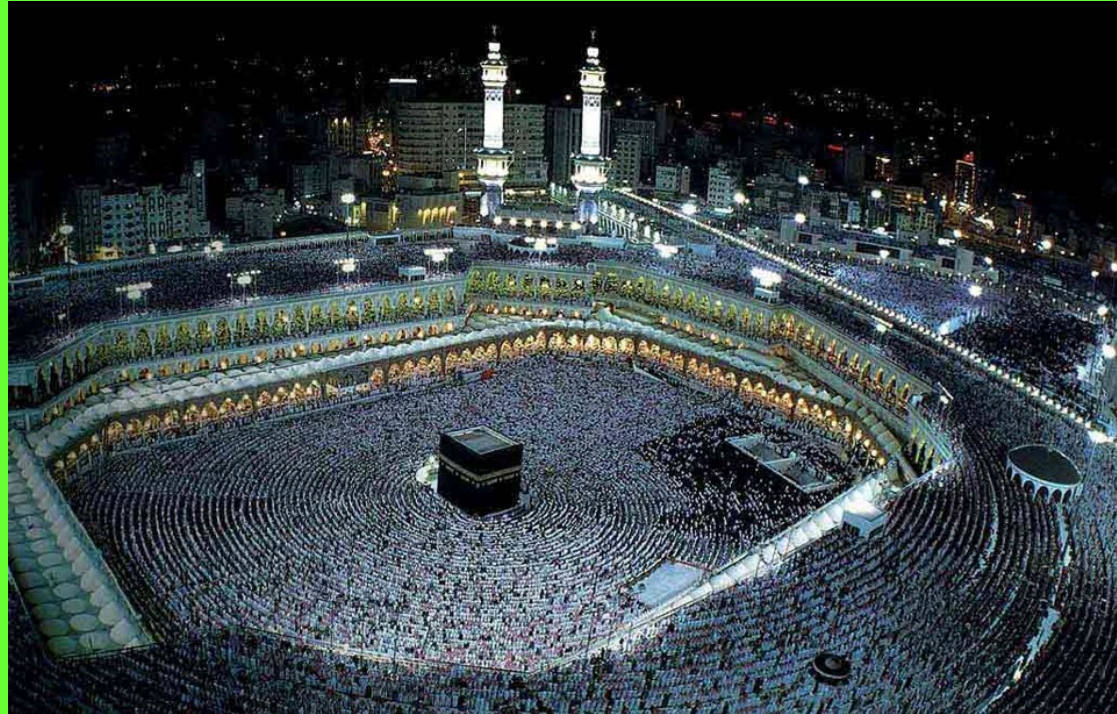


يُحْيِي الْمَوْتَى

وَهُوَ قَدِيرٌ

آشنایی با تاریخ اسلام



زینب حقى حق بيان

دبیر تاریخ دبیرستان فرهنگ ایران

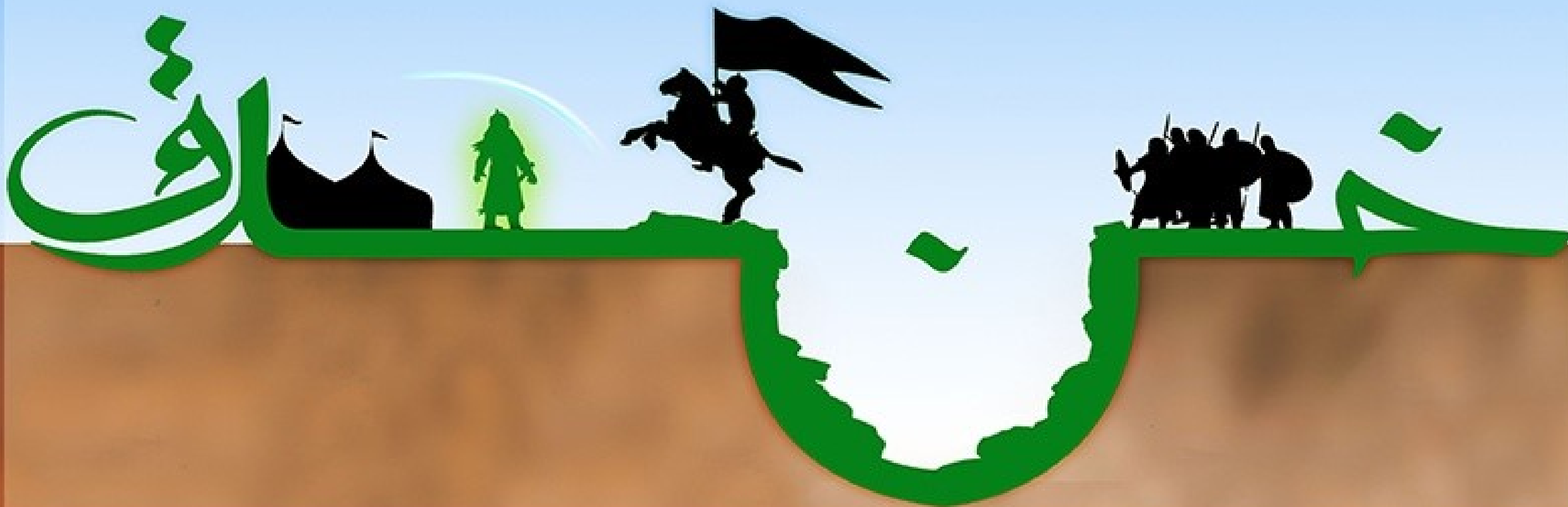
شعبه قم

غزوه خندق

قال رسول الله ﷺ
صَرَبَةٌ عَلَىَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ
مُتَرَبِّهَةٌ عَلَىَّ فِي رَوْضِ خَنْدَقٍ بِرِثَازِ بَرَسْتِشِ جَنِّ وَانْسِ اسْتِ.

بهارا نورمحمدی - ۱۳۹۲

۷ جنگ احزاب (خندق)



تشکیل سپاه بزرگ

- قریشیان برای مقابله با مسلمانان سپاه بزرگی فراهم کردند و از قبایل دیگر و از جمله یهودیان خواستند که بر ضد رسول خدا با آنها هم‌پیمان شوند و در جنگی بزرگ شرکت کنند.
- بنابراین سپاه بزرگی از قبایل مختلف شامل ده هزار نیرو، ۶۰۰ اسب و هزاران شتر در قالب سه لشکر آماده شد. فرماندهی کل سپاه با ابوسفیان بود.
- گویا تا آن روز در حجاز در هیچ جنگی چنین سپاه بزرگی تشکیل نشده بود.

شورای جنگی مدینه

➡ مطابق نقل امیرالمومنین، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ایشان را از این واقعه آگاه کرد.

➡ پیامبر یاران خود را باخبر کرد که قریش قرار است به زودی به آنها حمله کنند و آنها را موعظه کرد و فرمود اگر شکیبایی و پرهیزگاری کنند، پیروز خواهند شد و مردم را به اطاعت از خدا و رسول او فراخواندند.

شورای جنگی مدینه

- سپس پیامبر درباره جنگ با مردم به مشورت پرداخت و از آنان پرسید برای پیکار با دشمن آیا در مدینه بمانند یا بیرون مدینه بروند؟
- مسلمانان نظرهای مختلفی داشتند. سلمان فارسی گفت: ای رسول خدا روزگاری که ما در سرزمین فارس بودیم و از سواران دشمن بیم داشتیم، در اطراف خود خندق می‌کندیم.

شورای جنگی مدینه

- مسلمانان نظر سلمان را پسندیدند و با توجه به خسارتی که در جنگ احد متحمل شده بودند، بیشتر مایل بودند که در داخل مدینه بمانند.
- پیامبر سوار بر اسب شدند و همراه با تعدادی از اصحاب برای تعیین مکان حفر خندق و اردوگاه سپاه بیرون رفتند.

حرکت به سوی دشمن

وقتی که خندق کنده شد سپاهیان مشرکان، که از احزاب مختلف عرب تشکیل شده بودند، به نزدیک مدینه رسیدند.

پیامبر دستور دادند زنان و کودکان در برج ها جای داده شوند و پرچم مهاجران را به علی بن ابی طالب و پرچم انصار را به سعد بن عبادہ داد و با سه هزار نفر از مدینه خارج شد.

حرکت به سوی دشمن

➤ سپاه اسلام در دامنه کوه سَلْع فرود آمد و پیامبر آنجا را لشکرگاه خود قرار داد.

➤ کوه سلع در پشت سر و خندق در مقابل سپاه اسلام بود و بین سپاه اسلام و سپاه مشرکان، خندق قرار داشت.

شمال
↑

کوه احد

نیروهای احزاب (۶۰۰۰۰ روزمندی)

دره بنی نضار

رومندگان اسلام (۳۰۰۰۰ روزمندی)

کوه سلع

نظر فرماندهی

مسجد نبوی

بنی النضله

کوه عید

دره وادی

کوه ای حجاز

غزوة احزاب (خندق) سال ۳ هجری



تنظیم سپاه

- رسول خدا سپاه خود را سازماندهی کرد و نگهبانانی بر خندق گمارد و دستور داد هرگاه دشمن خواست از خندق عبور کند او را با تیر و سنگ به عقب برانند.
- حدود ۳۵ اسب سوار نیز در طول خندق گشت می‌زدند و به مردانی که برای نگهبانی گمارده شده بودند سرکشی می‌کردند.
- شبها فرماندهی سپاه با امیرالمومنین بود.

عبور پهلوانان قریش از خندق

- مشرکان تلاش می کردند تا از جاهای باریک و تنگ خندق عبور کنند و به سپاه اسلام حمله کنند، اما هر بار با مقاومت سرسخت نگهبانان مسلمان روبرو می شدند.
- فرماندهان و رؤسای مشرکان به نوبت به معرکه می آمدند، گاهی پراکنده و گاهی با هم در اطراف خندق اسب می تاختند.
- همه قصد داشتند به خیمه پیامبر حمله کنند.

عبور پهلوانان قریش از خندق

➤ مسلمانان همچنان در محاصره دشمن بودند و نبرد شدیدی بین آنان رخ نداد تا آنکه یک روز عده‌ای از پهلوانان قریش تصمیم گرفتند دسته جمعی حمله کنند. از این رو در جستجوی تنگنایی برآمدند.

➤ عمر بن عبدود[ؓ] و برخی دیگر، اسب‌های خود را تاختند و از تنگنایی عبور کردند. عمرو نخستین کسی بود که از خندق عبور کرد.

مبارزه طلبی عمرو بن عبدود

- علی بن ابی طالب با گروهی از مسلمانان راه عبور از خندق را مسدود کردند. عمر بن عبدود، که از پهلوانان نامدار عرب بود و با صدها نفر برابری می کرد، پیوسته هماورد می طلبید.
- امیرالمومنین برخاست و فرمود: ای رسول خدا من با او مبارزه می کنم. حضرت دستور داد بنشیند.
- دوباره عمرو مبارزه طلبید، ولی ترس و وحشت چنان بر سر مسلمانان سایه افکنده بود که نفس در سینها حبس شد؛ سرها به گریبان فرو رفته و سکوت محض آنان را فرا گرفته بود.

مبارزه طلبی عمرو بن عبدود

➤ علی علیه السلام دوباره برخاست و اعلام آمادگی کرد تا به میدان برود و با عمرو مبارزه کند. این بار نیز پیامبر به او دستور داد بنشیند.

➤ عمرو اسب خود را پس و پیش تاخت و وقتی دید کسی پاسخ نمی‌دهد، فریاد زد: صدایم گرفت از بس که فریاد زدم. آیا در بینشان مبارزی هست؟

به میدان رفتن علی علیه السلام

➤ علی علیه السلام برای بار سوم برخاست و از رسول خدا اجازه رفتن به میدان خواست.

➤ حضرت فرمود نزدیک من بیا. چون نزدیک رفت، پیامبر عمامه را از سر خود برداشت و بر سر علی گذاشت و شمشیر خود، ذوالفقار را نیز به او داد.

➤ سپس پیامبر دست به دعا برداشت و فرمود: «خدایا او را بر دشمن یاری فرما» و از خدا خواست تا وی را از هر جهت محافظت فرماید.

به میدان رفتن علی علیه السلام

- سپس پیامبر سخنان مهم و تاریخی خود را درباره اهمیت این نبرد چنین فرمود که: «تمامی ایمان در برابر تمامی کفر آشکار شد». علی علیه السلام به میدان رفت.
- عمر، که در جاهلیت با ابوطالب دوست بود، پرسید تو کیستی؟ فرمود علی پسر ابوطالب. عمرو گفت: آری همانا پدرت همنشین و دوست من بود. بازگرد که من دوست ندارم تو را بکشم. حضرت فرمود ولی من دوست دارم تو را بکشم.

تزلزل عمرو

➤ عمرو گفت برادرزاده من مایل نیستم مرد بزرگواری مانند تو را به قتل برسانم. بازگردد که برایت بهتر است.

➤ اما باید دانست که پیشنهاد بازگشت از سوی عمرو، برای زنده ماندن علی علیه السلام نبود بلکه از ترس بود، زیرا او از کشته‌های علی علیه السلام در جنگ‌های بدر و احد اطلاع داشت و می‌دانست که اگر با وی به نبرد پردازد، حتماً کشته خواهد شد و خجالت می‌کشید ترس خود را اظهار کند. بنابراین این گونه گفت و دروغ می‌گفت.

نبرد با عمرو

➤ امیرالمومنین به عمرو فرمود: ای عمرو، تو در جاهلیت می گفتی که اگر کسی سه خواسته از تو داشته باشد، تمامی یا یکی از آنها را می پذیری. عمرو گفت: آری. حضرت از او خواست تا مسلمان شود. عمرو نپذیرفت. حضرت به او گفت جنگ را ترک کند و به مکه بازگردد. قبول نکرد.

➤ سرانجام حضرت به او پیشنهاد کرد پیاده به جنگ بپردازد. این را پذیرفت و اسب خود را کنار راند. آنگاه به پیکار پرداختند.

کشته شدن عمرو

- غبار غلیظی برخاست. عمرو حمله ور شد. امیرالمومنین سپر خود را در برابر شمشیر عمرو گرفت و سپر شکافته شد.
- در این هنگام علی علیه السلام ضربه ای بر شانه عمرو زد و او را نقش بر زمین ساخت. نقل کرده اند که زره عمرو کوتاه بود و امیرالمومنین با شمشیر پاهای او را قطع کرد و او به زمین افتاد.
- نقل شده است که چون علی علیه السلام روی سینه عمرو نشست تا سرش را جدا کند، او آب دهان به صورت حضرت انداخت. حضرت از بیم آنکه مبادا برای انتقام و خشم عمرو را بکشد، برخاست و او را رها کرد و بعد که خشم ایشان فرونشست، برای رضای خدا سر از تن عمرو جدا کرد.

کشته شدن عمرو

➤ امیرالمومنین سر عمرو را با خود آورد و در برابر رسول خدا گذاشت.

➤ در این لحظه پیامبر سخنی فرمود که ارزش و عظمت کار امیرالمومنین را برای همیشه جاودانه ساخت.

➤ پیامبر فرمود: «ضربت علی در روز خندق برتر از عبادت جن و انس است».

➤ روایت کرده‌اند که پس از کشته شدن عمرو، پیامبر فرمود هم اینک ما به جنگ آنان می‌رویم و آنان دیگر به جنگ ما نمی‌آیند.

➤ کشته شدن عمرو، نقش مهمی در پایان یافتن جنگ و ناامیدی مشرکان و شکست آنان داشت.